

سینماگران مشهدی در میزگرد اختصاصی شهرآرا مشکلات تولید فیلم را بررسی کردند

سینمای خراسان نقشه راه ندارد

الهام ظریفیان



فیلم سازی در مشهد در سال ۱۳۲۶ توسط ابوالقاسم رضایی شروع شد. او سناریویی از روی یک نمایشنامه پرویز خطیبی به نام «عمه خانم، تنظیم کرد و نام آن را «آسمان آبی، گذاشت. از حبیب اژدری که هنرپیشه معروفی در تئاتر مشهد بود و مهدی رئیس فیروز که دوران سربازی اش را در مشهد می‌گذراند هم برای بازی در فیلمش دعوت و فیلم برداری را شروع کرد. فیلم‌شانزده میلی‌متری و از نوع تک‌نسخه یا رپورسال بود، یعنی نگاتیو نداشت که بعدا بتوان از روی آن مجددا چاپ کرد. بخش اول فیلم را که گرفت، برای ظهور به آلمان فرستاد، اما مدت ها گذشت و وقتی حلقه‌های فیلم‌به دست او رسید که گروه از هم پاشیده بود. از آن زمان تاکنون سینمای مشهد جسته و گریخته به حیات خود ادامه داده است، اما به باور تحلیلگران در همه دوره‌ها، چه سال‌هایی که در اوج خود ایستاده و آثاری پذیرفتنی تولید کرده و چه در دهه‌هایی که با رکود مواجه بوده است، همواره تحت تأثیر سینمای پایتخت بوده و این وابستگی گاه سینمای مشهد را در حاشیه نگه داشته است. اینکه ویژگی‌های سینمای مشهد چیست، در کجای سینمای کشور ایستاده، با چه مشکلات و موانعی در جریان رشد خود روبه‌روست و در نهایت اینکه چه راه حل‌های ممکن می‌توان برای رشد و اعتلای آن پیشنهاد داد، موضوعی است که ما آن را در میزگردی با حضور سه سینماگر شناخته‌شده مشهدی بررسی کردیم. در این میزگرد مهدی آب‌بر، نویسنده، کارگردان و تهیه‌کننده سینما در بخش داستانی و مستند، مهدی مسگران، تهیه‌کننده، کارگردان و فیلم‌نامه‌نویس تئاتر و سینما و مجتبی انوریان، فیلم‌نامه‌نویس و پژوهشگر سینما، ما را همراهی کرده‌اند. گزارش این میزگرد به دلیل طولانی بودن در دو بخش تهیه شده است که قسمت اول آن را در ادامه می‌خوانید. بخش دوم آن نیز در روزهای آینده در همین صفحه به چاپ خواهد رسید.

- سینمای مشهد کجا ایستاده است؟

مشهد یا به‌طور کلی خراسان همیشه بخش عمده‌ای از بدنه سینمای حرفه‌ای کشور را تغذیه کرده است. در همه بخش‌ها، از جمله بازیگری، تهیه‌کنندگی، کارگردانی و... بخش تأثیرگذار و انکارناپذیری از آن هنرمندان مشهدی بوده است. به جرئت می‌توان گفت که ظرفیت‌های بی نظیر این خطه در هیچ نقطه ایران وجود ندارد. بعد از وجود بارگاه امام رضا(ع)، آرمگاه فردوسی، عطار وخیام و دیگر مشاهیر تاریخی آن، ظرفیت‌هایی مانند اقلیم و جغرافیایی متنوع که می‌تواند برای لوکیشن‌های مختلف سینمایی مورداستفاده قرار بگیرد و خرده فرهنگ‌ها و اقوام مختلفی که قصه‌های بی نظیری را در این سرزمین روایت می‌کنند، ظرفیت بسیار بالایی را برای سینمای مشهد ایجاد کرده است؛ اما سؤال این است که چقدر از این ظرفیت تاکنون در سینمای مشهدمورداستفاده قرار گرفته است و جایگاه سینمای ایران در کشور کجاست؟

مهدی مسگران در پاسخ به این سؤال می‌گوید: متأسفانه بخش عمده‌ای از این ظرفیت به خاطر نبود یک چارچوب قانون ساز هدر رفته است. او ادامه می‌دهد: ما سه مسئله را از حوزه مدیران برای هنرمندان انتظار داریم؛ حمایت، هدایت، نظارت. الان فقط بخش نظارتی را، آن‌هم در بدترین شکل خودش، شاهد هستیم. صحبت از حمایت که دیگر خنده‌دار شده است. هدایت هم وجود ندارد و متأسفانه خود دوستان حتی نیاز به هدایت دارند. مهدی آب بر جایگاه سینمای مشهد را نسبت به سینمای ترازوی که در کشور وجود دارد از نظر حرفه‌ای خیلی پایین‌تر توصیف می‌کند و می‌گوید: ما اصلا در مشهد سینما نداریم، تله‌فیلم خوب هم نداریم. تا الان یک فیلم خوب نداشته‌ایم. فیلم خوب آن است که تا اسم آن را بشنوید، بسیاری از صحنه‌های آن به ذهنتان بیاید، نه اینکه آن فیلم جایی جایزه‌ای گرفته باشد.

به‌نظر مجتبی انوریان هم مشهد و به‌طورکلی خراسان جایگاه تاریخی خود را در هنر از دست داده است. او می‌گوید: هنر در خراسان رهاشده‌است. سینمای بومی وجه مشخصه سینمای خراسان یا هر سرزمین دیگری می‌تواند باشد، ولی وقتی چیزی را تولید کنیم که فرقی نداشته باشد در خراسان تولید شده است یا در خوزستان یا در تهران، اصلا چرا باید در خراسان دفتر تولید فیلم بزنیم؟!

- مشکل چیست؟

اهالی سینما می‌گویند دلیل این را که سینمای مشهد در جایی که باید باشد نیست، نه در میان هنرمندان خراسان که باید در مدیریت کلان کشور و نیز مدیریت داخل استان جست وجو کرد.

آب‌بر مهم‌ترین مشکل سینمای استان را نداشتن نقشه‌راه می‌داندو توضیح می‌گوید: ما سینمای مستقل -به آن معنی- نداریم. تله فیلم و فیلم‌های نود دقیقه‌ای تلویزیونی سینما محسوب نمی‌شوند. این حرف من نیست.

سازمان سینمایی این معیارها را گذاشته است و استانداردها دنیا هم همین است. نقشه راه ما بیشتر منوط به کارهای مدیریتی است که سازمان‌هایی مانند شهرداری، استانداری، نیروی انتظامی سفارش می‌دهند و فیلمکی ساخته می‌شود. این‌هایی که تا حالا ساخته‌ایم، حتی کارهای خود من، فیلمک بوده، فیلم نبوده است؛ چون ما نه امکانات و نه بودجه را نداشته‌ایم که بتوانیم از بهترین عوامل استفاده کنیم، نه اجازه‌اش را که بتوانیم آزاد فکر کنیم. منظورم سانسور نیست؛ چون در مشهد اصلا فیلمی ساخته نمی‌شود که نیاز به سانسور داشته باشد. این‌ها گلایه نیست، واقعیت است.

به نظر آب‌بر در سینمای خراسان به دلیل نبود نقشه راه امکان نوشتن فیلم‌نامه خوب نیز وجود ندارد. او می‌گوید: چند فیلم سینمایی در مشهد در زمینه جبهه و جنگ تهیه شد و خیلی هم زحمت کشیدند، اما فیلم‌های خوبی از کار درنیامدند، چون هنر وقتی که فروش برود و موردتوجه قرار بگیرد، می‌تواند ادامه داشته باشد. صرف جایزه گرفتن از فلان نهاد و ارگان و جشنواره، به‌ویژه برای سینما، اصلا اهمیت ندارد. این جایزه‌ها فقط مدت کوتاهی فیلم‌ها را مطرح می‌کنند، نه زیاد. وقت‌هایی هم که فیلم‌نامه خوب ارائه می‌دهیم، آن قدر «ان قلت»، در آن می‌آید که ادامه کار را ناممکن می‌کند. یکی از بزرگ‌ترین «ان قلت‌ها» این است که با اهداف فلان سازمان جور در نمی‌آید. مجتبی انوریان هم دغدغه نداشتن مدیران را دلیل فاصله بسیار سینمای خراسان از سینمای تراز کشور می‌داند و می‌گوید: اگر به تاریخ خراسان از گذشته تاکنون نگاه کنیم، می‌بینیم هرزمان مدیریتی سر کار

آمده که مسئله فرهنگ و هنر برایش دغدغه بوده، آثار هنری فاخری تولید شده است؛ دغدغه به این معنا که احساس نیاز به هنر را در جامعه به وجود بیاورند، چه در ابعاد فردی و چه در ابعاد اجتماعی. می‌بینیم حاکمیت هرچا به خوبی مدیریت کرده، آثار هنری‌ای به وجود آمده که در طول تاریخ ماندگار شده‌اند و ما هنوز داریم از آیشخور آن‌ها استفاده می‌کنیم.

مسگران اما بر این نظر است که نیاز وجود دارد، ولی احساس نیاز نیست. او می‌گوید: اول از همه داشتن اراده برای انجام یک کار باید باشد. این طور نیست که یک مدیر هنری از تولید هنری بی‌نیاز باشد، بلکه وجودش در گرو آن است، اما مدیران ما این نیاز را احساس نمی‌کنند.

اواضافه می‌کند: گویا مأموریت برخی مدیران تخریب

ز یر ساخت‌ها ست.

گاهی می‌گویند طرف اهمال کار است، ولی گاهی این طور به نظر می‌رسد که مأموریتش کار زیرساختی نیست. نها دها یی داریم که به صورت مستقیم مأموریتشان در حوزه فرهنگ و هنر است و ترجیح می‌دهند به سمت فعالیت‌های سینمایی نروند. شعر، ادبیات داستانی، نقاشی و عکاسی ارزش‌های خودشان را دارند، اما گو یا برخی مدیران ترجیحشان این است که مثلا یک نمایشگاه پوستر بگذارند و چند

طراح در خانه هایشان پوسترهایی را طراحی‌کنند و آن‌ها آثار را انتخاب کنند و نمایشگاهی بگذارند که مردم بیایند یا نه. اما سینما یعنی چالش. سینماگر یعنی آدم لطیف‌انگتر و دارای حرف، آدمی که صدایش بلند است و کار تیمی می‌کند. سینماگر یعنی یک آدم جست‌وجوگر و اهل کشف وشهود؛ به روایت صریح‌تر یک آدم ماجراجو. ولی درک این آدم مدیران وجود ندارد، چون در راستای منافع و دیدگاه‌ها و رویکرد جناحی، سیاسی‌شان نیست. گویا سینما را نمی‌خواهند و آمده‌اند که نابودش کنند، ما داریم کار خودمان را می‌کنیم. اما این تلاش باید به یک جریان شود.

- چه باید کرد؟

مسگران در پاسخ به این سؤال بر لزوم مخاطب‌شناسی در سینما تأکید می‌کند و می‌گوید: اگر به‌طور هدفمند بستر خاصی را مدنظر نداشته باشیم، به‌اثری می‌رسیم که فیلم‌نامه‌اش در مدیوم سینمای خانگی و دکوپاژش در مدیوم تلویزیون است، اما ادعا داریم در مدیوم سینماست. هر کدام از مراحل تولید از ایده گرفته تا طرح فیلم‌نامه، پیش تولید، تولید، دکوپاژ، نورپردازی، مستلزم این است که ما بدانیم این اثر را برای کی‌ها می‌خواهیم. مگر می‌شود اثری را که برای سینما در نظر گرفته‌ایم در تلویزیون به نمایش بگذاریم؟! محال است و این چندگانگی گاهی فاجعه‌آفرین می‌شود؛ به این معنا که چون آگاهی نداریم، اثری می‌سازیم که برگرفته از مدیوم‌های هر کدام از این رسانه‌هاست و در نهایت در هیچ کدام قابل‌بخش نیست. اما این چیزی است که ساختارها باید برای تولید آن ایجاد و هدایت شوند.

انوریان می‌گوید: مدیران کشور باید در همه زمینه‌ها

آموزش ببینند، درحالی‌که خیلی از مدیران حتی در حوزه تخصصی خودشان هم آموزش ندیده‌اند. غیر از این مسئله، حتی اگر طرف سر جای خود نشسته باشد، دیگران با او همراهی کرده باشند، سیاست‌گذاری کلان هم راه را روشن کرده باشد، می‌بینیم آن جزیره‌های دیگر هم به‌او کمک نمی‌کنند. همچنان که بخش فرهنگی باید به ابعاد اقتصادی، علمی و اجتماعی کمک کند. دیگر بخش‌های جامعه نیز باید به فرهنگ کمک کنند، زیرا فرهنگ و هنر اگر به‌طور سالم تولید شود، تأثیرات خود را در سالم نگه داشتن فضا‌های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، هنری، خانوادگی، سبک زندگی و همه مسائلی که امروز در زندگی ما وجود دارد خواهد گذاشت.



مجتبی انوریان:
هنر در خراسان رها شده است، سینمای بومی وجه مشخصه سینمای خراسان می‌تواند باشد، ولی وقتی چیزی را تولید کنیم که فرقی نداشته باشد در خراسان تولید شده است یا در خوزستان یا در تهران، اصلا چرا باید در خراسان دفتر تولید فیلم بزنیم؟!

مسگران هم می‌گوید: نهادهای مرتبط هنوز به یک شرایط قانونمند نرسیده‌اند. در هر نظام صنفی افراد جدید برای ورود باید دارای استانداردهایی باشند. تنها عرصه‌ای که هیچ استانداری در آن دیدن می‌شود عرصه سینماست. هرکس از راه می‌رسد وارد سینما می‌شود. من نه تنها مخالف باز کردن درها برای ورود جوانان و استعداد‌های جدید نیستم، بلکه اتفاقاً بر آن تأکید دارم، ولی آیا نباید فیلتری برای جلوگیری از هدررفت عمر، انرژی و احساس همین بچه‌ها وجود داشته باشد؟!

من خیلی قائل به اینکه محفوظات کسی بالا برود نیستم. همیشه به شاگردانم می‌گویم سینما را باید با سینما موخت، اما این عرصه عملی درست کجاست؟ یک نظام و یک ساختار قانونمند نیاز داریم که سره را از ناسره جدا کند.

او بر لزوم تعاریف مشترک از واژگان در سینما تأکید می‌کند و می‌گوید: یکی از بزرگ‌ترین معضلاتی که در دهه‌های پیش باعث می‌شد به نتیجه نرسیم، نداشتن همین تعاریف بود. هر جریانی اگر بخواهد شکل بگیرد و تأثیرگذار باشد، باید منشی و هدفش مشخص باشد و حتما یک نفر به‌عنوان لیدر و هماهنگ‌کننده باید وجود داشته باشد که مانند یک رهبر ارکستر تیم را به سمت یک هم‌نوایی هدایت کند. اگر قرار باشد هر سازی مجزا نت خودش را بزند، به جای شنیدن یک موسیقی گوش نواز به یک صدای ناهنجار خواهیم رسید. به نظر مسگران با اینکه نقش رهبر یک ارکستر در سینما را تهیه‌کننده بازی می‌کند، تهیه‌کنندگی حتی در نزد بسیاری از همکارانش به‌اشتباه تعریف می‌شود. او می‌گوید: ما باید بدانیم که تهیه‌کننده‌با سرمایه‌گذار متفاوت است. سرمایه‌دار همیشه سرمایه یک اثر به عهده تهیه‌کننده باشد، اما به این معنی نیست که هرکس با سرمایه‌ای آمد و در حوزه سینما آن را خرج کرد، تهیه‌کننده است. تهیه‌کننده یعنی کسی که بر جریان سینما، چه در بخش هنری و تکنیکی و چه در بخش اقتصادی سینما، اشراق داشته باشد. اساسا هنر زیرساخت اقتصادی دارد، مخصوصا سینما که هنر صنعت است. نمی‌توانیم به بقای سینما فکر کنیم، ولی اقتصاد سینما را درست نشناسیم.

قسمت اول

۳۳شنبه

۱۴۰۳شوال ۱۴۴۴

شماره ۳۳۳۴

۱۱



عکس: حدیث‌الطهری/شهرآرا

ایستگاه خبر

تکاهی به فروش سینماها در تعطیلات عید فطر

«فسیل»، همچنان در صدر



سینما های کشور طی تعطیلات چهار روزه اخیر ۲۵ میلیارد و ۷۲۳ میلیون تومان در گیشه فروش داشتند. به گزارش ایرنا، سینماهای کشور از صبح پنجشنبه تا آخر شب گذشته موفق شد ند با جذب ۴۹۷ هزار مخاطب، طی ۱۰ هزار و ۱۰۷ سانس

نمایش، به گیشه ۲۵ میلیارد و ۷۲۳ میلیون تومانی برسند. بنا بر این گزارش، سینما ها برای پنجشنبه ۱۰۳ هزار مخاطب داشتند و ۵ میلیارد و ۳۰۴ میلیون تومان نیز فروختند. این آمار برای روز جمعه به گیشه ۷ میلیارد و ۹۷۵ میلیون تومانی رسید. در روز شنبه ۱۴۵ هزار و ۲۰۰ نفر به سینما رفتند تا فروش گیشه روز عیدفطر به ۷ میلیارد و ۵۵۷ میلیون تومان برسد. سینماها در این روز بهترین عملکرد را در این چهار روز تعطیل داشتند. طی روز گذشته نیز ۱۱۲ هزار و ۲۰۰ نفر به سینما رفتند و فروش گیشه را به ۵ میلیارد و ۷۶۵ میلیون تومان رساندند. سینما با تبلیغات بیشتر و البته اکران زود هنگام بسته دوم فطر می‌تواند گیشه‌ای به مراتب پررونق‌تر از وضعیت کنونی را در کوتاه مدت تجربه کند. طبق پیش‌بینی، کم‌دی «فسیل» با اقتدار در صدر جدول فروش ایستاد و موفق شد با جذب ۳۲۰ هزار مخاطب، ۱۶ میلیارد و ۳۸۰ میلیون تومان بفروشد. میزان سانس‌های نمایش دهنده این فیلم نیز در نوع خود جالب توجه است، زیرا این فیلم طی این چند روز ۳ هزار و ۷۷۵ سانس نمایش داده شد. این آمار نشان می‌دهد که ۶۴ درصد از گیشه سینماها طی تعطیلات چهار روزه اخیر، توسط کم‌دی «فسیل» پوشش داده شده است. «سه کام حبس» دومین فیلم پراقبال این چهار روز بود. فیلم احساس را به مراتب پررونق‌تر از وضعیت کنونی می‌داند و می‌گوید: در آموزش‌های سینمایی این گونه است که همه مباحث سینمایی -ع-ا م از فیلم‌نامه نویسی، تدوین، کارگردانی، تهیه‌کنندگی، بازیگری و...- را یک نفر آموزش می‌دهد. یک روز از یک مدیر آموزشگاه سینمایی دلپیش را پرسیدم. گفت: چون در غیر این صورت برایمان صرفه مالی ندارد. این یعنی نظارت نیست، یعنی اهمیتی داده نمی‌شود. درحالی‌که باید نقشه‌راه داشته باشیم و در این نقشه‌راه باید نیروها آموزش دیده باشند. خود ما باید دائم آموزش ببینیم و تجربه کسب کنیم.

مسگران هم می‌گوید: نهادهای مرتبط هنوز به یک شرایط قانونمند نرسیده‌اند. در هر نظام صنفی افراد جدید برای ورود باید دارای استانداردهایی باشند. تنها عرصه‌ای که هیچ استانداری در آن دیدن می‌شود عرصه سینماست. هرکس از راه می‌رسد وارد سینما می‌شود. من نه تنها مخالف باز کردن درها برای ورود جوانان و استعداد‌های جدید نیستم، بلکه اتفاقاً بر آن تأکید دارم، ولی آیا نباید فیلتری برای جلوگیری از هدررفت عمر، انرژی و احساس همین بچه‌ها وجود داشته باشد؟!

ببست و چهارمین جشنواره بین‌المللی فیلم «جئونجو»، در کشور کره جنوبی از تاریخ ۲۷ آوریل تا ۶ می (۱۶ تیر) در بیجشت، برگزار می‌شود و فیلم سینمایی «بی‌رؤیا»، ساخته آرن بین و زیردفت‌ری، در بخش سینمای جهان این رویداد روی پرده خواهد رفت. «بی‌رؤیا»، در مجموع طی روزهای ۲۸ و ۲۹ آوریل و اول می، سه نمایش در این رویداد سینمایی در کشور کره جنوبی خواهد داشت. این فیلم با فیلم‌نامه‌ای به نگارش وزیردفت‌ری و به تهیه‌کنندگی مشترک سعید سعدی و هومن سیدی، نخستین نمایش جهانی خود را در بخش افق‌های هفتاد و نهمین جشنواره ونیز تجربه کرد. طنار طباطبایی، صابر ابر و رضا داوودنژاد بازیگران این فیلم سینمایی هستند.

ورود قهرمانان ملی با انیمیشن به سینما



مجموعه پویانمایی «ما جراهای نوید»، تولید شبکه کودک است و با پرداخت به قهرمانان کمتر دیده شده کشور در عرصه‌های مختلف در دستورکار بخش تلویزیون قرار گرفته است. به گزارش تسنیم، تاکنون دو قسمت از این مجموعه

روی آنتن شبکه کودک رفته است و هم‌زمان با ایام عید فطر سومین قسمت از این مجموعه رونمایی شد. «ماجرای نوید»، با کیفیت سینمایی ساخته شده است و به‌همین دلیل هر قسمت از این مجموعه پس از چند ماه فرایند تولید، تدوین و ساخت به آنتن شبکه کودک می‌رسد و به‌دلیل مضامینی که انتخاب کرده است، پخش‌های متعددی دارد. از ویدئو و پوستر قسمت سوم این مجموعه در وب‌سرت برنامه عیدفطر «سر سفره خد» رونمایی شد و عوامل درباره این مجموعه گفت‌وگو کردند. محمدرضا فرزادمهر، تهیه‌کننده این مجموعه، درباره فضا و مضمون آن بیان کرد: «ما تونهایلی است که دوست دارد کارهای خارق‌العاده و قهرمانی انجام دهد و ضمن آن به مردم هم کمک کند. او دوست دارد مسائل و مشکلات کوچکی را که در زندگی وجود دارد با همین کارهای قهرمانی حل کند. همچنین فرزادمهر در ادامه درباره خلق کاراکترهای قهرمانی بیان کرد: ما در بخش‌های مختلف کشور آدم‌های بزرگی داریم که اتفاقات مهمی را رقم می‌زنند و به سهم خود کارهای بزرگی انجام می‌دهند و باری از دوش کشور برمی‌دارند، کسانی‌که باعث رشد و پیشرفت کشورند و بچه‌ها می‌توانند از آن‌ها الگو و انرژی بگیرند.